

یادداشتی درباره آرنو فیشر

بهار احمدی‌فرد

آرنو فیشر (۱۹۲۷-۲۰۱۱) عکاس و مدرس دانشگاهی آلمانی بود که نمایشگاهی از دوره‌های مختلف کاری‌اش در گالری راه ابریشم-لاله برگزار شده است: وضعیت برلین، نیویورک، باغ، پرتره. او را معروفترین عکاس گمنام آلمان می‌دانند که تصاویرش ایماژ برلین پس از جنگ را تعریف کرده است. لین وارن در دائرةالمعارف عکاسی قرن بیستم آرنو فیشر را در کنار اولین ریشتر از مهم‌ترین عکاسان نسل قدیم آلمان شرقی می‌داند که تا آخرین سال‌های حرفه‌ای خود توأمان به عکاسی و تدریس می‌پرداخت و در هردو زمینه بر نسل‌های بعد خود تأثیرگذار بود. او رابطه کاری نزدیکی با رابرت فرنک، کارتی‌ه برسون و جوزف کودلکا داشته و از هر سه این عکاسان الهام گرفته است.

وضعیت برلین: عکس‌های این مجموعه مربوط به سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ هستند، در سال‌هایی که به گفته خود عکاس جدایی آلمان شرقی و غربی تا حدی بین عموم پذیرفته شده بود اما هیچکس خوابش را نمی‌دید تا روزی دیواری این دو بخش را از هم جدا کند. کتاب در آن سال‌ها منتشر نشد با این اظهارنظر که «برلین دیگر یک وضعیت نیست!» از لیست کتاب‌های در صف انتشار خط زده شد و اولین بار در سال ۲۰۰۱ انتشار یافت. در این مجموعه فیشر به دنبال برخورد مستقیم با واقعیت برلین دوقطبی آن روزهاست، تردیدهایش نسبت به آلمان غربی و همدلی با آلمان شرقی در بعضی عکس‌ها مشهود است هرچند او سعی داشته باورهای سیاسی خود را به نحوی سمبولیک در عکس‌هایش نشان دهد (مثال: دیوار ترک‌خورده که ترک روی دیوار می‌تواند سمبلی برای شهر دونیم شده باشد)

پرتره: پس از ساخت دیوار برلین، فیشر از سر اتفاق وارد حوزه عکاسی مد شد. هرچند او هیچ‌گاه خود را عکاس مد نمی‌دانست. هرچند در این راه از فواید مرسوم عکاسی مد پیروی نکرد در پی تغییر نوع نگاه عکاسی مد و بازنمایی واقعی‌تر بود (مثلاً در عکس‌هایش از مدل‌های حرفه‌ای استفاده نمی‌کرد). آرنو فیشر سفر دهه شصت خود به موسکو و عکاسی از مارلین دیتریچ را بر روی صحنه از لحظات به یادماندنی فعالیت حرفه‌ای خود می‌داند به خصوص آنکه دیتریش به او گفته بود عکس‌های فیشر، برایش محبوبترین عکس‌هایی هستند که از او گرفته شده است.

نیویورک: در این مجموعه که در دهه هشتاد در نیویورک عکاسی شده است، تأثیر کتاب آمریکایی‌های رابرت فرنک بر روی آرنو فیشر کاملاً مشخص است، امری که خود فیشر نیز به آن اذعان کرده است: ترکیب‌بندی‌های اسنپ‌شاتی و دراماتیک، بلر و گرین عامدانه، تناقض‌های فرهنگی، زیر سؤال بردن رویای آمریکایی و ... به این طریق او در نیویورک نیز به دنبال وجوه سمبولیک گذران زندگی روزمره بود.

باغ: این مجموعه عکس‌ها با دوربین پولاروید SX70 گرفته شده‌اند و به شکل سه‌لته در کنار هم به نمایش درمی‌آیند. این عکس‌ها، در سی سال آخر زندگی حرفه‌ای عکاس و در باغ شخصی او عکاسی شده‌اند. عکس‌های پولاروید از باغ و جزییات داخل خانه در تضاد با مجموعه‌های قبلی آرنو فیشر به‌عنوان یک عکاس متعهد اجتماعی قرار دارد، دیگر نه در خیابان و میان مردم بلکه در باغ خصوصی و در خلوت در کنار همسرش. خود عکاس از این عکس‌ها به‌عنوان عکس‌های مالیخولیایی یاد می‌کند. گفته شده است که چیدمان سه‌لته این عکس‌ها یادآور سه‌لته‌های نقاشی‌های پل کله و گفته او درباره «ویژگی ماهوی امر تصادفی» است. اما از سوی دیگر این عکس‌های بی‌تاریخ یادآور سنت تصویری ژاپنی و به‌خصوص سه‌لته‌های نبویوشی اراکی (پلانوگرافز) با مضامین مشابه است؛ از قبیل اضمحلال، پژمردگی و ... که البته در کارهای فیشر وجوه اروتیک، تلخ و گزنده آثار اراکی غایب است و با مجموعه‌ای عکسی نسبتاً آرام و نوستالژیک مواجه هستیم.